

فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

شماره نهم، تابستان ۱۴۰۱، ص ۲۹۳-۳۰۷

نقش معادباوری در تبیین سبک زندگی اسلامی؛ با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

سجاد شاه ملکی^۱

چکیده

چهل سالگی انقلاب اسلامی ایران همزمان شد با بیانیه مهم و با اهمیتی، با «عنوان بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی». رهبر انقلاب (حفظه الله) در این بیانیه که آن را خطاب به همه ملت ایران منتشر کردند، به نوعی نقشه راه و اصول کلی جامعه و تمدن اسلامی را تبیین کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مقام معظم رهبری (حفظه الله) در این بیانیه، ارائه و تبیین شاخصه‌های یک تمدن نوین اسلامی است. تمدنی که مد نظر ایشان است، باید بتواند در برابر تمام شبهه‌های عقلانی نسل جوان پاسخگو باشد. یکی از راه‌کارهای اساسی برای این امر، تبیین پایه‌های معنوی آن است. سوال این است که؛ ساز و کار معادباوری در شکل‌گیری سبک زندگی ایرانی/اسلامی چگونه است و اعتقاد به معاد، تا چه میزان در ایجاد تمدن نوین اسلامی مد نظر مقام معظم رهبری (حفظه الله) در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی تأثیرگذار است؟ در پژوهش پیش رو، تلاش شده است با تکیه بر مبحث معادباوری، سبک زندگی اسلامی ایده‌آل تبیین شود. روش اجرای این تحقیق، توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات، اسنادی - کتابخانه‌ای می باشد. در پژوهش پیش رو به بیان خصوصیت معادباوری، و نقش آن در سبک زندگی اسلامی که مهم‌ترین شاخصه تمدن نوین اسلامی است، پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: معاد باوری، سبک زندگی اسلامی، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

۱. کارشناسی ارشد، رشته مدرسی معارف، گرایش انقلاب اسلامی، دانشگاه بوعلی سینا، شهر همدان؛ طلبه مشغول به تحصیل در مقطع سطح سه

(کارشناسی ارشد)، رشته فقه و اصول، حوزه علمیه قم، استان قم، ایران، پژوهشگر و فعال فرهنگی، نویسنده مسؤل،

مقدمه

سبک زندگی از منظر قرآن کریم، مجموعه‌ای از موضوعات مورد قبول قرآن کریم بر پایه خدامحوری و حاکمیت ارزش‌های اسلامی در زندگی است که غایت آن، رهایی از زندگی غیر اسلامی و رسیدن به حیات طیبه می‌باشد. مسائل اجتماعی در جوامع، همواره بین وضع موجود و وضع مطلوب مانع ایجاد می‌کنند و آحاد ملت را از دستیابی به آرمان‌های جامعه و تفکر حاکم بر اصول آن محروم می‌کند. از این رو در جوامع پیش رو، سردمداران و تصمیم سازانش به طراحی برنامه و چشم‌اندازی عملیاتی می‌پردازند تا مردم از یکنواختی و روزمرگی بیرون بیایند و همچنان بالنده طی مسیر کنند. بیانیه گام دوم انقلاب، به حکم چشم‌انداز بودن برای چهل سال دوم انقلاب، مسائل اجتماعی کشور را به فراخور موضوع و محل مورد توجه قرار داده است. یکی از این مسائل، «دل‌زدگی مردم از انقلاب» است. مقام معظم رهبری (حفظه‌الله)، ریشه این دل‌زدگی را در روی‌گردانی تعدادی از مسئولان از ارزش‌های دینی و انقلابی می‌داند و تنها راه‌حل مرتفع شدن این دل‌زدگی را توجه و عمل مسئولان به این ارزش‌های دینی و انقلابی می‌داند. از این رو، تردیدی نیست که پرداختن به مسائل کلامی و تبیین مسائل اعتقادی حاکم بر این بیانیه می‌تواند ابعاد تازه‌ای بر روی پژوهشگران برای تدقیق بیشتر برای ارائه راه کارهای عملیاتی باز کند.

بیانیه گام دوم انقلاب بر اساس مطالبات و آرمان‌های اصولی دین اسلام. معادباوری و التزام به مفاد باورهای مربوط به زندگانی واپسین، همه از جمله باورهای پابرجا و مقاوم و مطمئن هستند که پشتوانه حرکت چشمگیر و حیرت‌انگیز انقلاب اسلامی در عصر جدید قرار گرفته‌اند، از این رو، پرداختن به این مفاهیم با رویکرد کلامی شیعی، می‌تواند بیش از پیش زوایا و ابعاد اعتقادی بیانیه را آشکار کند.

در پژوهش پیش رو، سعی بر آن است تا مبانی کلامی و تئوری این بیانیه با توجه به منابع اسلامی و تفاسیر تخصصی و مستندات از رهنمودهای امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) و رهبر انقلاب (حفظه‌الله) ارائه شود.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- معنای لغوی سبک زندگی

سبک زندگی از ترکیب دو واژه «سبک و زندگی» با مفهوم متفاوت تشکیل شده است. معنای لغوی واژه زندگی روشن است، اما در تعریف واژه سبک در لغت‌نامه‌های فارسی و غیر آن، معانی گوناگون آمده است که ریشه در کاربرد آن در علوم مختلف دارد. «در زبان فارسی، واژه سبک در روند مفهومی خود، به معنی غالب در سبک‌شناسی ادبی و هنری به‌کار می‌رفت». (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳، ۳۴۴، ۹)

۱-۲- معنای اصطلاحی سبک زندگی

«تعاریف مختلفی برای سبک زندگی وجود دارد و صاحب‌نظران هر حوزه‌ای تعریفی از سبک زندگی ارائه کرده‌اند به عنوان مثال، سبک زندگی در علم پزشکی، ورزش، علوم دینی، اقتصاد، بازار، جامعه‌شناسی و سایر حوزه‌ها متفاوت است و به طور کلی، هنوز اتفاق‌نظری برای تعریف سبک زندگی وجود ندارد و طبیعی است در هر کدام از این حوزه‌ها، تعریف خاصی از سبک زندگی ارائه شود. «به‌طور کلی، سبک زندگی، از جمله مهم‌ترین مسائل در علوم انسانی است. این موضوع چارچوب کلی زندگی را مشخص می‌سازد و به لحاظ مفهوم و کاربرد، شامل شئون گوناگون زندگی انسان می‌شود. سبک زندگی، با سه رویکرد اصلی جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و دین‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته است. نقدهای وارد بر هر یک از رویکردهای رایج، نشان می‌دهد که هر یک، از زاویه محدودی به این موضوع پرداخته‌اند. سوال اصلی اینجاست که آیا می‌توان به روشی برخوردار از انسجام درونی، منطقی و روشمند برای تبیین عوامل سازنده سبک زندگی دست یافت که قابلیت طرح در علوم گوناگون و ساحت‌های گوناگون زندگی بشر را دارا باشد؟ با فرض اینکه، یکی از مناسب‌ترین راه‌های شناخت و تعریف مفهوم سبک زندگی، تبیین عوامل سازنده آن است.» (عنوانی و همکاران، ۱۳۹۶، ۸۱)

۱-۳- بیانیه گام دوم انقلاب

بیانیه گام دوم انقلاب یا بیانیه گام دوم، نوشته «سیدعلی خامنه‌ای» رهبر جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت چهلیمین سال پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن سال ۱۳۹۷ صادر شد و با مخاطب قرار دادن جوانان، ضمن بیان پیشینه وقوع انقلاب و دشواری‌های آن، به دستاوردهای چهار ساله انقلاب اسلامی ایران پرداخت و چشم انداز آینده انقلاب را در بخش‌های مختلفی از جمله علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، عدالت و مبارزه با فساد و... تبیین کرد. مخاطب اصلی بیانیه گام دوم انقلاب، جوانان به عنوان محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی هستند و فرصت ارزشمندی برای کشور دانسته شده‌اند.

«بیانیه گام دوم انقلاب، به عنوان مهم‌ترین سند بالادستی و نقشه راه آینده کشور، ضمن آسیب‌شناسی و تحلیل نقاط ضعف و قوت چهار سال گذشته کشور، به ارائه راه‌کارها و مسیرهایی روشن برای نسل‌های آینده پرداخته و اهداف مسیر پیش روی انقلاب اسلامی را برای نسل حال و آینده به روشنی بیان کرده است. تردیدی نیست که سند و برنامه‌ای به این اهمیت، نمی‌تواند بدون پشتوانه فکری، استدلالی، مکتبی و کلامی تنظیم شده باشد. در این سند، موضوعاتی همچون توحید، امامت، عدالت، معاد و دیگر اصول اسلامی، از نگاه دین اسلام تحلیل شده و ویژگی‌های

جامعه آرمانی مد نظر اسلام ناب مطرح شده است. در این بیانیه، نحوه عملکرد مجموعه انقلاب اسلامی در پیروی از این مفاهیم و اصول، طی چهل سال اول توسط رهبر انقلاب (حفظه الله)، آسیب شناسی شده است. «بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷، <https://khl.ink/f/41673>»

۲- سبک زندگی اسلامی

دو محور قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام)، نقش غیر قابل انکاری در شکل دهی سبک زندگی اسلامی ایفا می کنند. پیروی از شاخصه های این دو محور اصلی، به تدریج با شکل دادن خرده فرهنگ های گوناگون، منجر به نوعی سبک زندگی اختصاصی شده که در قرآن کریم به عنوان «حیات طیبیه» از آن یاد شده است و ویژگی هایی برای این سبک زندگی در نظر گرفته شده است که خاص قرآن کریم است. حیات طیبیه، اصطلاحی قرآنی است که صاحب نظران اسلامی آن را در مقابل سبک زندگی غیر اسلامی و غربی مطرح کرده اند و بارها ویژگی ها و خصوصیات آن را تشریح کرده اند. آیت الله جوادی آملی (حفظه الله) در این باره می فرماید: «در زمینه چگونگی دستیابی به حیات طیبیه بایست گفت که سالک با سیر انفس و انجام عمل صالح، در حال ایمان به حیات طیبیه دست می یابد: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل، ۹۷). هر مرد یا زن پرهیزگاری که کار نیک و شایسته کند (از حسن فاعلی و حسن فعلی هر دو برخوردار باشد) او را به حیات طیب (زندگانی پاک و خوش) زنده بداریم و پاداششان را بر پایه بهترین عملی می دهیم که همواره انجام می داده اند. آیه حاکی از آن است که «ایمان و عمل صالح ملاک و معیار اساسی سبک زندگی قرآنی است، حیات طیبیه و لقای پروردگار هر دو با ایمان و عمل صالح به دست می آید، از آن جهت که حیات سبب حس و حرکت در همه موجودات است، حیات طیبیه نیز شهود حق تعالی و سیر در تجلیات انوار الهی و سبک زندگی جدید نورانی برای آدمی می گردد و بی گمان این حیات برتر از حیات حیوانی مشترک بین انسان و حیوان است و آثاری که قرآن برای آن بیان کرده، بسیار بالاتر از اثرهای حیات مادی و عادی است. صاحب این حیات طیب، مستغرق در نعمات معنوی است. حقایق را می بیند و در خود عزت و کرامت می یابد، زیرا به معدن عظمت متصل شده است.» (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۱، ۱۶۳-۲، ۱۶۲).

در حقیقت، طبق این آیه شریفه که با صراحت به حیات طیبیه اشاره کرده است، گویی بین انسان و پروردگار جهانیان عهد و پیمانی است که پاسداشت آن، درهای معنوی را می گشاید و آدمی را به حیات طیبیه و سبک زندگی نوین رهنمون می کند. مفسران در تفسیر حیات طیبیه در این آیه، دیدگاه های متعددی را مطرح کرده اند.

استاد مطهری (رحمت‌الله‌علیه) در ارتباط با سبک زندگی اسلامی و حیات طیبیه می‌فرماید: «حیات طیبیه و معنوی مختص آخرت نیست، بلکه با تحقق شرایط در همین عالم حاصل می‌شود، زیرا از آنجا که ایمان و عمل صالح از امور معنوی‌ای هستند که در همین عالم تحقق می‌یابند، حیات طیبیه مترتب بر ایمان و عمل صالح نیز در همین عالم محقق می‌شود». (مطهری، ۱۳۸۳، ۸۹)

امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) که بنیان‌گذار تئوری سبک زندگی اسلامی در قرن حاضر است در عرفان عملی و نظری، آرای مختلفی در ارتباط با مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی مطرح کرده است. ایشان درباره حیات طیبیه می‌فرماید: «اگر کسی با عمل توانست این قیود را بشکند و عمل‌ها را به عمل صالح واحد برگرداند و او را به ورد واحد ارجاع دهد؛ «فَلْتُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل/۹۷) اینجاست که خداوند می‌فرماید: این عامل به عمل صالح را به زندگی طیب و طاهر زنده می‌کنیم، نه این‌که گمان کنی چنین کسی در این عالم در زندگی طیب و طاهر نیست، بلکه اگر عمل صالح شد، در این عالم زندگی طیب و طاهر پیدا می‌کند». (خمینی، ۱۳۷۹، ۴۶۵)

با توجه به آنچه گفته شد، عصاره سبک زندگی در فرهنگ اسلامی همان حیات طیبیه‌ای است که در قرآن به آن اشاره شده است: «سبک زندگی اسلامی از آن رو که متصف به قید اسلامی و در جوهره اسلامی است تمامی شئون حیات این جهانی انسان را در بر می‌گیرد و بخش مهمی از آن موضوع تعامل مردم با نظام سیاسی و در نظام فعلی جمهوری اسلامی یعنی همان مردم‌سالاری دینی است. در خصوص مختصات تجویزی در سبک زندگی اسلامی در ابتدا بحث بنیادین و خوب نظام سازی اسلامی بر پایه (عدالت محوری، مسئولیت‌پذیری و ساده‌زیستی) مطرح می‌باشد. در چارچوب نظام مردم‌سالاری اسلامی تحقق سبک زندگی اسلامی مستلزم عینیت‌یابی وظایف حاکمان و کارگزاران سیاسی در برابر مردم؛ یعنی (مدارا و کنشگری صادقانه، امیدبخشی، تحیرزدایی و گزینش صالحان برای مسئولیت‌ها) است و در طرف مقابل، وظایف مردم در برابر نظام مردم‌سالاری اسلامی (وفاداری به نظام اسلامی، مشارکت سیاسی و امر به معروف و نهی از منکر کارگزاران و همکاری اطلاعاتی) می‌باشد». (خواججه‌سروری و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۳)

در بیانیه گام دوم انقلاب، آنچه مورد توجه قرار گرفته است، تشخیص و شناسایی ملاک‌هایی است که در شکل دادن سبک زندگی متعادل و متناسب با معیارهای اسلامی/ایرانی موثراند. در این بیانیه روشن می‌شود که مشخصه و مؤلفه اصلی سبک زندگی ما کدام است؟ آیا ما هم باید حول محور میزان و نوع «مصرف‌کنندگی» مردم جامعه، سبک زندگی خودمان را تعریف کنیم؟ «پاسخ به این سوال در واقع ماهیت بحث ما را در این نوشتار تشکیل می‌دهد. برای پاسخ به این سوال مطابق نظر «گیدنز» باید تلاشی داشته باشیم؛ برای شناخت مجموعه منظمی از رفتارها یا الگویی

از کنش‌ها که افراد آنها را انتخاب کرده و کنش‌های آنها در زندگی روزمره به واسطه آنها هدایت می‌شود». (خوشنویس، ۱۳۸۹، ۱۱)

«مسئله توجه به سبک زندگی از موضوعاتی است که مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) طی سالیان اخیر آن را مطرح و بر ضرورت توجه به آن تأکید نموده‌اند. تعبیری که رهبر انقلاب (حفظه‌الله) در بیانیه گام دوم انقلاب درباره سبک زندگی به کار برده‌اند؛ «مقابله با ترویج سبک زندگی غربی» است. این تعبیر، در بردارنده چهار مقوله است: «سبک زندگی» که مقوله‌ای فرهنگی است، «سبک زندگی غربی» که فرهنگ معارض است، «ترویج سبک زندگی غربی» که نشانگر تهاجم فرهنگی غرب به جامعه ما است، و «مقابله با ترویج سبک زندگی غربی» که دلالت بر واکنش دفاعی ما دارد». (بیانات رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳، <https://khl.ink/f/21252>)

رهبر انقلاب (حفظه‌الله)، در بند پایانی بیانیه گام دوم انقلاب، به مقوله «سبک زندگی» پرداخته و اشاراتی به آن کرده‌اند. نخستین بار، ایشان در سال ۱۳۹۱ از مقوله سبک زندگی سخن گفتند و به آسیب‌شناسی وضع سبک زندگی روزمره مردم پرداختند و موارد و فقرات متعددی را بیان کردند و در نهایت، توصیه نمودند که اصحاب فکر و نظر، هم «مقومات» و «معیارهای» سبک زندگی اسلامی را تبیین کنند، هم ریشه‌ها و خاستگاه‌های شکل‌گیری «عیوب» و «نقصان» در سبک زندگی را بیابند و هم «ساز و کارها» و «راه‌کارهای» ایجاد تغییر در سبک زندگی کنونی و حرکت شتابان به سوی سبک زندگی اسلامی را مشخص کنند. رهبر معظم انقلاب (حفظه‌الله) در بیانیه گام دوم انقلاب، از «سبک زندگی غربی» سخن گفته‌اند. رهبر انقلاب (حفظه‌الله) تأکید می‌کنند که «فرهنگ غربی، ذهن‌ها و فکرها را «مادی» می‌کند و هدف زندگی را به کسب «پول» و «ثروت» فرو می‌کاهد و «آرمان‌های معنوی» و «تعالی روحی» را کنار می‌زند، «گناه» را عادی‌سازی می‌کند، موجب فروپاشی «خانواده» می‌شود. و در این باره می‌فرمایند: از این رو، باطن فرهنگ غربی عبارت است از «سبک زندگی مادی و گناه‌آلود» و به این ترتیب، پیش‌گیری از «ترویج فرهنگ غلط و منحط غربی»، یک مسئله اجتماعی مهم است. از نظر ایشان، غرب متجدد، عالم مبتنی بر سه عنصر است: یکی «ماده‌زدگی» که به معنای زوال معنا و معنویت الهی در سبک زندگی غربی است، دیگری «ابتدال‌گرایی» که دلالت بر طغیان اباحه‌گری و نفسانیت در سبک زندگی غربی دارد، و «ستیزه‌جویی» که نمایانگر تنازع جنگل‌وار برای بقا و تفوق در سبک زندگی غربی است. رهبر انقلاب (حفظه‌الله) معتقدند که؛ تمدن غربی سعی می‌کند با «زورگویی»، «روش/سبک/سلوک زندگی» شایع در جوامع خود را به جوامع غیرغربی «تحمیل» کند. در حقیقت، فرهنگ غرب، یک فرهنگ «مهاجم» و «نابودکننده فرهنگ‌های بومی» است». (بیانات

رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳، <https://khl.ink/f/21252>)

ایشان در جایی دیگر، در این رابطه می فرمایند: «باید تحمیل فرهنگ غرب بر سایر ملّت‌ها و کوچک‌شمردن فرهنگ‌های مستقل را، یک خشونت خاموش و بسیار زیان‌بار تلقی کرد. تحقیر فرهنگ‌های غنی و اهانت به محترم‌ترین بخش‌های آن‌ها در حالی صورت می‌گیرد که فرهنگ غربی مدعی جایگزینی، به هیچ‌رو از ظرفیت و استحقاق جانشینی برخوردار نیست. به طور مثال، دو عنصر پرخاش‌گری و بی‌بندوباری اخلاقی که متأسفانه به مؤلفه‌های اصلی فرهنگ غربی تبدیل شده است، مقبولیت و جایگاه این فرهنگ را حتی در خاستگاهش نیز تنزل داده است.» (بیانات رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳، <https://khl.ink/f/21252>)

۳- بررسی شاخصه معادباوری

یکی از ریشه‌های اصلی بیانیه گام دوم انقلاب «معاد و معادباوری» است که از عوامل اصلی شکل‌گیری انقلاب اسلامی می‌باشد. بنابراین ابعاد مختلف معادباوری در تغییر سبک زندگی فردی و اجتماعی مردم مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳-۱- اعتقاد به معاد و تأثیر آن بر تغییر بینش فردی

اعتقاد به معاد که از جمله مهم‌ترین و تأثیرگذارترین باورهای دینی است، آثار سازنده‌ای در سرنوشت انسان در دنیا و آخرت دارد، چرا که اعتقاد به روز قیامت و همچنین لزوم پاسخ‌گویی در برابر اعمال و کردار، سبب می‌شود تا انسان معتقد، اعمال و رفتار خود را منطبق بر دین انجام دهد، زیرا می‌داند تنها به این وسیله می‌توان از عذاب الهی در امان باشد. بنابراین تأثیر این اعتقاد به صورت مستقیم و عملی خواهد بود. یکی از شاخص‌هایی که رهبر انقلاب (حفظه‌الله) در بیانیه گام دوم انقلاب به عنوان راهبرد و سیاست کلان جمهوری اسلامی ایران مطرح فرمودند، مقوله «معنویت» و به تبع آن اعتقاد به معاد است.

«حقیقت این است که معنویت، گمشده قرن حاضر است و جامعه صنعتی‌زده و تکنولوژیکال بشری در قرون اخیر بیش از گذشته به جای پرداختن به این نیاز مهم بشری، به اهداف پیشرفت اقتصادی و تکنولوژی پرداخته است. رهبر انقلاب (حفظه‌الله)، در بیانیه گام دوم انقلاب، به درستی به این ضرورت که نیاز بشر امروز است، پرداخته‌اند و انقلاب اسلامی را احیاگر معنویت در دنیای نوین معرفی کرده‌اند. قاعدتاً این بشر نمی‌خواست به راه‌حل اساسی روی بیاورد، بلکه می‌خواست به گردن‌کشی و طغیان خود ناشی از پیشرفت صنعتی ادامه دهد و به جریان‌های انحرافی روی آورد. ایشان مشکل اساسی بشر در حوزه‌های سبک زندگی را در حیطه معنویت می‌دانند.» (بیانیه گام دوم

انقلاب، ۱۳۹۷، <https://khl.ink/f/41673>)

«اعتقاد به جهان‌بینی مکتب انبیا یقین به حیات بعد از مرگ و اطمینان به ثواب و عقاب عالم آخرت، بینش مردم را نسبت به انسان و جهان تغییر می‌دهد و برنامه زندگی را دگرگون می‌کند و انسان را به فکر فردا و مراقبت از اعمال خود می‌کشاند آدمی بر اثر یقین به قیامت و ایمان به گفته پیامبران الهی (صلوات‌الله‌علیهم) می‌فهمد که زندگی‌اش به همین چند روزه دنیا محدود نیست و حیات نوینی در پیش دارد، اعتقاد به معاد صحنه زندگی بشر را گسترش می‌دهد، اندیشه نابود شدن را می‌زداید و نیروی امید را در ضمیر انسان تشدید می‌کند و منشأ حرکت در مسیر تعالی معنوی و تکامل روحانی و تحرک در امور دنیوی و توجه به اعمالی می‌شود که ثمره اخروی دارند و انسان را متوجه این نکته می‌کند که باید از فرصت داده شده استفاده حداکثری بکند. اگر جهان‌بینی فرد درست نباشد و باورهای درونی‌اش جهت دینی نداشته باشند، این جهان‌بینی در رفتارها و اعمال او نیز انعکاس لازم را نخواهند داشت. پس بینش صحیح و جهان‌بینی مطلوب درمان بسیاری از نابسامانی‌ها و بیماری‌های روحی بشر امروز است که علم و تکنولوژی از عهده آن بر نمی‌آید.» (شریعتی، ۱۶، ۱۳۶۱) اعتقاد به معاد، موجب می‌شود نگرش کلی انسان به جهان مادی، تغییر یابد و جایگاه جهان ماده تا یک منزل عاریتی و موقتی کاهش یابد. در این نگرش جدید، انسان به جای ماده‌گرایی و لذت‌جویی حداکثری، از صمیم قلب تمام توان خود را برای آباد کردن جهان جاودانی خویش به کار می‌بندد.

۳-۲- اعتقاد به معاد و تأثیر آن در تحکیم امید در جامعه

نگرش‌های نظری و اعتقادی علاوه بر اینکه آثار روانی و ذهنی برای انسان‌ها دارند، می‌توانند تأثیر زیادی بر روابط شخصی و اجتماعی افراد و به تبع آن بر جامعه بگذارند. یکی از اعتقاداتی که موجب هدمند شدن زندگی اجتماعی انسان‌ها می‌شود اعتقاد به مبدأ و مقصد آفرینش یا معاد است. یکی از آثار اعتقاد به معاد پیش‌بینی جزا و پاداش برای اعمال انسان است.

پر واضح است که این اعتقاد تا چه میزان می‌توان انسان را از رهاشدگی و پوچ‌گرایی برهاند. در دین مبین اسلام، علت اصلی عقلانی معاد، «رها نشدن انسان از سوی خداوند» عنوان شده است و برای این مفهوم در قرآن کریم، واژه (سُدی) مطرح شده است. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، (سُدی) را به «مهمل و رها شده» معنا می‌کند. ایشان رها شدن را نیز به این می‌داند که برانگیخته شدن پس از مرگ در کار نباشد. لازمه برانگیخته شدن نیز نبودن تکلیف و پاداش و جزاست.» (مطهری، ۱۰۹، ۱۳۸۳)

یکی از مؤلفه‌هایی که مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) از طریق آن، امید واقعی و اصیل را در این بیانیه به عنوان بحثی محوری در سراسر آن قرار داده است، اعتقاد به معنویت و معاد است. معادباوری، از بزرگ‌ترین دغدغه‌ها و

آرزوهای بشر یعنی حب بقا و پایدار بودن را تضمین و او را از درد «پوچ‌انگاری عالم خلقت» رها می‌کند و بدین - وسیله بزرگ‌ترین انگیزه امیدواری، یعنی «جاودانه شدن» را به نوع بشر هدیه می‌دهد. پر واضح است که چنین کارکردی، صرفاً از طریق اعتقاد قلبی و عمیق و معنوی همچون «معادباوری» بر می‌آید. پروفیسور یونگ - از اساتید معروف روان‌کاوی غرب و شاگرد فروید - در این باره می‌گوید: «دو سوم بیمارانی که از سراسر جهان به من مراجعه کرده‌اند، افراد تحصیل‌کرده و موفق هستند و مشکل روحی آن‌ها، به خاطر نداشتن شغل مناسب یا پول نیست، بلکه دردی بزرگ، یعنی پوچی و نامفهومی و بی‌معنا بودن زندگی آنها را رنج می‌دهد. مطلب آن است که بر اثر تکنولوژی و جمود تعالیم و کوتاه‌نظری و تعصب، بشر قرن بیستم (لامذهب) است و سرگشته در جست‌وجوی روح خود می‌باشد و تا مذهبی نیابد، آسایش ندارد و بی‌مذهبی، پوچی و بی‌معنا بودن زندگی را در پی دارد». (رضوانی، ۱۳۸۶، ۷۶)

بیانیه مهم و سراسر امیدبخش رهبر انقلاب (حفظه‌الله) در تبیین مؤلفه‌ها و راهبردهای گام دوم انقلاب اسلامی، از ویژگی‌ها و ابعاد متنوعی برخوردار است که هر کدام آنها باید مورد تحلیل و تفسیر جداگانه قرار گیرد. یکی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها حاکم بودن روح «امید» در جای جای این بیانیه است؛ و چه بسا، دلیل اصلی عصبانیت مخالفین و معارضین این بیانیه نیز همین مسئله باشد. ایشان هیچ عملکردی را بدون داشتن امید نتیجه‌بخش نمی‌دانند و می‌فرمایند: «توصیه من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه‌ی قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جست‌ام، اما خود و همه را از نومییدی بیجا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر می‌دارم. سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ‌کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه همیشگی هزاران رسانه صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومییدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است». (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷، <https://khl.ink/f/41673>)

۳-۳ آثار جامعه شناختی اعتقاد به معاد

الف) ارتقای مدارا و صبر

الگوی حکمرانی خوب در گام دوم انقلاب، مبتنی بر چندین مؤلفه است. یکی از مؤلفه‌های اصولی در خودسازی فردی و به تبع آن جامعه‌سازی، «مدارا و صبر» در برابر مشکلات است. پر واضح است که سرچشمه این خودسازی، اعتقاد به معاد و حتمی دانستن جزا و پاداش اخروی است، چرا که در صورت پذیرفتن دنیای مادی به عنوان هدف اصلی آفرینش و عدم باور معاد، اصولاً دلیلی منطقی و عقلی برای تحمل و صبر در مقابل مشکلات فردی و اجتماعی باقی نمی‌ماند. ایمان به معاد برای ارتقای مدارا و صبر در جامعه فرآیند خاصی دارد. در این فرایند، چهره وحشت‌انگیز مرگ که همیشه به صورت کابوسی بر افکار انسان‌ها سنگینی داشته و آرامش را از آنها سلب کرده، دگرگون می‌شود. معادباوری، زندگی را از مفهوم فنا و نیستی به دریچه‌ای به سوی جهان بقا تغییر می‌دهد و از این طریق مکارم اخلاقی همچون مدارا و صبر را به طور عمیق در درون و روان انسان می‌پروراند. امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) یاد مرگ را اصلاح‌گر انسان و تربیت‌کننده روح بشر می‌خوانند و می‌فرمایند: «أَلَا فَادْكُرُوا هَادِمَ اللَّذَاتِ وَ مَنْعِصَ الشَّهَوَاتِ وَ قَاطِعَ الْأُمْنِيَّاتِ عِنْدَ الْمُشَاوَرَةِ لِلْأَعْمَالِ الْقَبِيحَةِ؛ به هنگام تصمیم بر کارهای زشت، مرگ را که نابودکننده لذت‌ها و مکدرکننده شهوت و قطع‌کننده آرزوهاست، به یاد آورید». (نهج - البلاغه، ۹۹، ۱۳۹۶) یکی از کارکردهای جامعه شناختی مدارا و تساهل، جلوگیری از ایجاد ناهنجاری‌های روانی و رفتاری در شخصیت افراد و در مرحله بعد ایجاد مصونیت در برابر بزه و جرم و جنایت در جوامع بشری است. و بر این اساس، «تأکید بر بالا بردن کیفیت زندگی و بهیاشی اجتماعی از نتایج اجتماعی مدارا محسوب می‌شود». (موئی، ۹۸، ۱۳۹۱) «معادباوری، جامعه بشری را از سخت‌گیری و تعصب و ناهنجاری‌هایی که به دشمنی و خصومت منتهی می‌شود نجات دهد». (نیکوبخت، ۱۰۰، ۱۳۸۳)

(ب) اعتقاد به معاد و ایجاد شادی و امید در جامعه

اعتقاد راسخ و واقعی به معاد موجب ایجاد حس شادی عمیق و مستمر در وجود و ضمیر ناخودآگاه انسان می‌شود. زیرا فردی که به این مقام نائل می‌شود به دلیل اینکه می‌داند روزی در محضر خداوند حاضر می‌شود و زندگی او منحصر به حیات مادی نیست، غمی در وجودش نیست و به هر آنچه که برایش مقدر شده است راضی و شاد است، زیرا در آنجا آسایش، آرامش و امنیت مطلق وجود دارد؛ «لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ» (انعام، ۱۲۷) و افراد احساس کمبود و محرومیت و ناامیدی نمی‌کنند، چرا که در آن بهشت، آنچه دل‌ها می‌خواهد و چشم‌ها از آن لذت می‌برد، موجود است؛ «وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ». (زخرف، ۷۱) بنابراین یکی از مهم‌ترین اثرات یاد معاد در دنیا، امید همراه با شادی، و در نهایت رسیدن به آرامش دنیوی است، در ادبیات قرآنی، شادی تعریف خاص خود را دارد؛ یعنی هم آفاقی و هم انفسی و درونی است و کمتر جلوه بیرونی به خود می‌گیرد. از این منظر، بالاترین درجه شادی،

رضایت الهی از بندگان و رضایت بندگان از معبود است و با توجه به آموزه قرآنی «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم، ۳۹) تنها کسانی شایستگی رسیدن به شادی جاودانی و مستمر را دارند که سختی‌ها و رنج‌هایی را که خدا برای کشف استعدادها و امتحان بندگان، برای آنها مقدر کرده است؛ - بنا بر آموزه ی قرآنی «خُلِقَ الْإِنْسَانُ فِي كَبَدٍ» (بلد، ۴) - با جان و دل پذیرا باشند. کسی که به مقام معادباوری می‌رسد؛ به شادی واقعی دست پیدا می‌کند و در واقع در صورت اعتقاد واقعی به معاد و بازگشت به جایگاه اصلی است که انسان، شایسته پاداش می‌شود و شادی این‌جهانی او، تبدیل شادی متصل و مستمری می‌شود که در تمام طول حیات خواهد داشت. این چنین شخصی در بالاترین درجه شادی قرار می‌گیرد. در ادب عرفانی نیز شادی متصل همیشگی فقط زمانی در دسترس خواهد بود که انسان خود را از محدوده بدن و ماده برهاند و آزاد و رها به سوی خداوند خویش در حرکت باشد و «تا وقتی انسان از عالم حس و مألوفات آن نگذرد، حکم طفلی را دارد که در تنگنای زهدان مادر، محبوس است و البته عالمی را که ماوراء عالم اوست درک نمی‌کند. از این رو، برای ورود به عالم ماورای حس به نوعی ولادت ثانی احتیاج دارد که در گرو آمادگی اوست». (زرین‌کوب، ۱۳۷۵، ۵۶۴) در علم روان‌شناسی نیز به‌طور کلی، شادی مستمر، حاصل تقویت صفات و فضیلت‌های درونی است. «در یافته‌ها و پژوهش‌های روان‌شناسی، مشخص شده است که امور بیرونی همچون ثروت، مقام، زیبایی، شهرت، امکانات مادی، و هر آنچه مربوط به دنیای خارج است، فقط پانزده درصد از رضایت‌مندی و شادی مستمر را به خود اختصاص می‌دهد و هشتاد و پنج درصد باقی مانده از طریق تقویت ویژگی‌های معنوی همچون عدالت، نوع دوستی، خردورزی و سایر قابلیت‌های این روان‌شناسی نوظهور محقق خواهد شد». (سلیگمن، ۱۳۹۵، ۹۵)

ج) فسادزدایی و طهارت اقتصادی

از دیدگاه قرآن کریم، توجه به روز قیامت و روز محاسبه، اعمال عاملی مهم برای جلوگیری از مفاسد اقتصادی است، در خصوص تصحیح و سلامت مبادلات اقتصادی در جامعه با تأکید هر چه تمام‌تر، مسئله قیامت را متذکر شده، می‌فرماید: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَ إِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ إِلَّا يظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ كُلًّا إِنَّ كِتَابَ الْفَجَارِ لَفِي سَجِّينٍ وَ مَا ادریک مَا سَجِّينٌ» (مطففین: ۷-۱) وای بر کم فروشان! آنان که وقتی برای خود پیمانه می‌کنند، حق خود را به طور کامل می‌گیرند، اما هنگامی که می‌خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن کنند، کم می‌گذارند. آیا آن‌ها گمان نمی‌کنند که برانگیخته می‌شوند، در روزی بزرگ؟ روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می‌ایستند. چنین نیست (که آنها درباره قیامت می‌پندارند)، به یقین نامه اعمال بدکاران در سجین است». مهم‌ترین کارکرد اعتقاد به معاد در حوزه

اقتصاد، «تنزیه و پاک کردن عایدات و روابط اقتصادی» است. این تصفیه اقتصادی، در فقه اسلامی با عنوان «طهارت اقتصادی» مطرح شده است. «اصطلاح طهارت اقتصادی برای اولین بار توسط رهبر انقلاب (حفظه الله) در بیانیه گام دوم انقلاب مطرح گردید. ایشان، شرط مشروعیت مسئولین حکومتی را منوط به طهارت اقتصادی آنان دانستند. توجه به طهارت اقتصادی در زندگی و حوزه فردی، مقدمه‌ای برای حفظ طهارت اقتصادی در هنگام تصدی مناصب حکومتی است. تحکیم مبانی اعتقادی، نقش مهمی در این مسئله دارد. تاثیر این مبانی و مفاهیم در سالم سازی نظام اقتصادی در بعد فردی و اجتماعی، بیشتر از تاثیر قضایا و روابط علت و معلولی اقتصادی است. یکی از این مبانی، اعتقاد به معاد است که از مهم‌ترین عوامل سازنده ی اخلاق و رفتار انسان هاست، به گونه‌ای که در تشویق انسان به انجام رفتارهای صحیح و دوری از رفتارهای ناپسند در همه زمینه ها به ویژه اقتصادی نقش موثری ایفا می‌کند». (مطوری و همکاران، ۱۳۹۷، ۲۳)

«اقتصاد اسلامی مبتنی بر وحی است. وحی بر توجه انسان به مبدأ و معاد تأکید دارد و با ایجاد ارتباط بین انسان و خالق از یک سو و انسان و معاد از سوی دیگر، در مقام آن است که انسان را به نامتناهی وصل نماید، با ازلیت پیوند دهد و او را ابدی کند تا با مشاهده نتایج فعالیت‌ها و رفتارهای خویش و یقین به ثمربخشی آن‌ها در جهان پس از مرگ، راه تکامل را پیماید. انسان در این مکتب، با نگرشی کاملاً متفاوت نمایان می‌گردد و این نگرش رفتارهای اقتصادی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. انسان اقتصادی در این مکتب، در مصرف، به رزاقیت الهی و در تولید، به توحید افعالی معتقد است. قبض و بسط رزق را از ناحیه خداوند می‌داند و به توزیع تکوینی الهی نیز معتقد است و در یک جمله، در سراسر رفتارهای او توحید تجلی می‌کند. برخلاف این، در نظام سرمایه داری واژه‌هایی همچون تدبیر الهی، توحید ربوبی، مشیت الهی، رزاقیت خداوند، توحید افعالی و توزیع تکوینی بی‌معنا بوده، انسان محدود و بریده از مبدأ و معاد است». (رجائی، ۱۳۸۲، ۶۶)

د) معاد؛ معناگرایی و کنترل اجتماعی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای اعتقاد به معاد، توانایی در تغییر نگاه و برداشت از پدیده‌ها و نه خود پدیده‌هاست. پر واضح است که بسیاری از مشکلات و معضلات بشر تحت کنترل او نیست و انسان نمی‌تواند از طریق علوم تجربی و آزمایشگاهی، بر بسیاری از مشکلات لاینحل احاطه و کنترل داشته باشد. لذا یافتن راهی برای کنترل درونی و تقویت نیروهای روحی و روانی می‌تواند انسان را در برابر این مشکلات یاری‌گر باشد. خداوند در آیه «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (زمر، ۴۲) از مرگ با عنوان «توفی»، یعنی گرفتن کامل جان انسان توسط فرشتگان یاد

می‌کند. بدین معنا که مرگ نابودی نیست، بلکه دروازه ورود انسان از یک جهان به جهان دیگر است. بر اساس این بینش، یاد مرگ برای مؤمنان به عنوان مقصد زندگی دنیوی و آغاز زندگانی اُخروی، آسودگی خاطر و راحتی در برخورد با مشکلات دنیوی را در پی دارد، چرا که انسان‌های شایسته با مرگ به ملاقات خداوند می‌رسند؛ «وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (بقره، ۲۲۳). از این رو، یکی از محوری‌ترین راه‌کارهای مقابله با فشارهای روانی و دستیابی به آرامش و افزایش روحیه امید و امیدواری به آینده، ایجاد نگرش مثبت نسبت به مرگ و اعتقاد به معاد است. معنایابی زندگی که معلول اعتقاد راسخ به مبدأ و معاد است، خود کارکردهای متعددی دارد. «یکی از این کارکردها، (ایجاد امنیت روانی و به تبع آن امنیت اجتماعی) است. مهم‌ترین دغدغه مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) در بیانیه گام دوم انقلاب نیز معنادهی به زندگی جوانان، و دوری از پوچ‌گرایی و زندگی بی‌هدف از یک‌سو، و مصرف‌زدگی و رفاه‌طلبی از سوی دیگر است. از این رو، مطالبه اصلی ایشان در این زمینه، تشکیل تمدن اسلامی بر اساس پایه‌های معنویت و معادباوری است. به طور کلی، جامعه مد نظر مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) در بیانیه گام دوم انقلاب، باید جامعه‌ای باشد که بتواند در درون خود دولتی متناسب با معیارهای معنوی به طور اعم و معادباور به طور اخص پیروراند. دولت مد نظر ایشان، دولتی است که علاوه بر برطرف کردن ناکامی‌های رفاه‌زدگی و مصرف‌گرایی صرف، بتواند سیاست‌گذاری پویایی برای دور کردن این آسیب‌ها از پیکره جامعه اسلامی داشته باشد. ضمن اینکه تصویرسازی از تمدن نوین اسلامی یک سیر تاریخی می‌خواهد و لزوماً به معنی این نیست که تشکیلات این حکومت ایده‌آل، به سرعت آماده و مهیا شود، بلکه برای همراهی جامعه جهانی با این تمدن نوین باید شاکله یک دولت اسلامی مطلوب در داخل پدیدار و سپس جامعه اسلامی هم‌سو با مقتضیات این تمدن محقق شود. بنابراین جامعه مورد نظر مقام رهبری در بیانیه گام دوم، جامعه‌ای است که بتواند بسترهای لازم برای تمدن‌سازی و تأثیرگذاری بر دیگر جوامع را داشته باشد. پر واضح است که مهم‌ترین شاخصه این جامعه ایده‌آل، پویایی، هدفمندی، شادی عمیق و مستمر، و امید گسترش‌یافته در جامعه است و بدون شک این ویژگی‌ها فقط در سایه معنویت و معادباوری تحقق می‌یابد، نه مصرف‌گرایی، رفاه‌زدگی و اصالت لذت». (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷، <https://khl.ink/f/41673>)

نتیجه‌گیری

در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، مهم‌ترین شاخصه و مطالبه قابل مشاهده، «تبیین ویژگی‌های اساسی تمدن نوین اسلامی» است. در این راستا، تحلیل ویژگی‌های معنوی آن، می‌تواند تفاوت اصولی جامعه اسلامی و جامعه غیر اسلامی را به خوبی نشان دهد. از نظر مقام معظم رهبری (حفظه‌الله)، معادباوری در تمدن نوین اسلامی می‌تواند اکثر

مشکلات شخصی و جامعه‌شناختی را که در جوامع غیر اسلامی لاینحل باقی مانده است، حل و فصل کند. این ویژگی‌های معنوی در صورت گسترش، می‌تواند جامعه را به سوی جامعه‌ای آرمانی رهنمون باشد و مردم را از افتادن در دام هیجانگاری و بیهودگی که مبتلا به جوامع امروزی است، برهاند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که؛ انقلاب اسلامی ایران به دلیل مبتنی بودن بر اصول کلامی شیعی همچون توحید، عدالت، امامت، معاد و... می‌تواند دغدغه‌های لاینحل بشر امروز را مرتفع سازد. رهبر انقلاب (حفظه‌الله) در این بیانیه، با تبیین شرایط تمدن اسلامی و با تکیه بر اصل مهدویت، شاخصه‌های اصلی تمدن اسلامی را تبیین کرده اند. تمدن مد نظر مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) می‌تواند زندگی انسان را هدفمند کند. در این بیانیه که مبتنی بر دو اصل «توحید و معاد» است، خط سیر مشخصی برای جامعه اسلامی ترسیم شده است. در این خط سیر، انسان از ابتدا در مسیری گام بر می‌دارد که تمام مسائل و مشکلات جامعه را با رویکرد توحیدی، تحلیل کند و در نهایت نیز با اعتقاد عمیق به همین مقوله، تمام امور خود و جامعه را بازگردانده به محضر خداوند بزرگ بداند و در نتیجه، جامعه و تمدن مد نظر مقام معظم رهبری (حفظه‌الله)، با تمام ویژگی‌های انحصاری خویش تحقق یابد.

منابع

- قرآن کریم: عربی/فارسی، ۱۳۹۶، ج ۱، «ترجمه استاد حسین انصاریان»، تهران: انتشارات مبین.
- نهج البلاغه: فارسی/عربی، ۱۳۹۶، ج ۳، «ترجمه استاد محمد دشتی»، قم: انتشارات آثار فرهنگ برتر.
- کتاب‌های فارسی
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۳)، «تفسیر موضوعی»، ج ۱۲، «فطرت در قرآن»، قم: مرکز نشر اسراء.
- خمینی، سیدروح‌الله، (۱۳۷۹)، «تحریر الوسیله»، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمت الله علیه).
- خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۷)، «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی».
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، «لغت‌نامه دهخدا»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رضوانی، علی اصغر، ۱۳۸۶، «اسلام شناسی و پاسخ به شبهات»، ج ۳، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۵)، «پله پله تا ملاقات خدا»، تهران: انتشارات علمی.
- سلیگمن، مارتین، ۱۳۹۵، «شادمانی درونی»، «ترجمه دکتر مصطفی تبریزی، رامین کریمی و علی نیلوفری»، ج ۱، تهران: انتشارات دانژه.

شریعتی، محمدباقر، (۱۳۶۱)، «معاد در نگاه وحی و فلسفه»، قم: کتابخانه موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
مطهری، مرتضی، (۱۳۸۳)، «زندگی جاوید یا حیات اخروی»، مجموعه آثار، ج ۲، چ ۱۱، تهران: انتشارات صدرا.
مؤنی، جینا.ال.مگیار، ۱۳۹۱، «فنون روان‌شناسی مثبت‌گرا»، «ترجمه فرید براتی سده»، ج ۱، تهران: انتشارات رشد.
مقالات

رجائی، سید محمدکاظم، (۱۳۸۲)، «قرآن و تجلی توحید در اقتصاد»، ماهنامه علمی - ترویجی معرفت، ش ۶۶.
خوشنویس، ناهید، (۱۳۸۹)، «رسانه و سبک زندگی»، ماهنامه علمی - تخصصی انجمن روابط عمومی ایران، ش ۷۳، صص ۹-۱۷.

خواجeh سروی، غلامرضا، اقبال، اقدس، طباطبائی، جواد، (۱۳۹۲)، «مختصات سبک زندگی مطلوب در نظام مردم سالاری اسلامی»، پایان‌نامه دکتری دانشگاه علامه طباطبائی (رحمت‌الله‌علیه).
عنوانی، سیدحامد و همکاران، (۱۳۹۶)، «رویکرد سیستمی در تعریف سبک زندگی»، فصلنامه معرفت فرهنگی/اجتماعی، ش ۳۳، صص ۸۱-۱۰۰.

مطوری، علی، مرادی‌کهنکی، فاطمه، ناصری‌کریموند، امان‌اله، (۱۳۹۷)، «نقش معادباوری در طهارت اقتصادی از دیدگاه نهج‌البلاغه»، فصلنامه پژوهش‌های نهج‌البلاغه، ش ۵۹.

نیکویخت، ناصر، (۱۳۸۳)، «عرفان اسلامی، مکتب تسامح و تساهل»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر، کرمان: ش ۱۶ و ۲۱.

سایت‌ها

(بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷، <https://khl.ink/f/41673>)

(بیانات رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳، <https://khl.ink/f/21252>)